

هو الحكيم

عنوان:

نقدی بر انتشارات احمد الحسن
در سنخیت خالق و خلق



دکتر وحید باقر پورکاشانی



«SERATEHAGHI»



«اصل دیگری که شبیه همین اصل عقلی است،
اصل لزوم سنخیت بین علت و معلول است.
یعنی هر علتی،

موجد و موجب هر معلولی نمی‌شود
و معلول و علت باید یک نحو سنخیت
و همخوانی و هماهنگی با هم داشته باشند،
و هر معلولی از هر علتی حاصل نمی‌شود».
ببینید اشتباهی که این‌جا صاحب ترجمه دارد
و در این پاورقی زده و از انتشارات انصار
امام مهدی علیه‌السلام می‌باشد، این هست.
من چی گفتم؟ گفتم که بین خالق و خلق،
نسبت علیت هست، خدا علت هست،
بلکه علت‌العلل هست!

مخلوقات هم معالیل او هستند،
اما سنخیت نیست!

ایشان (احمدالحسن، مدعی یمانی) می‌گوید
ضرورت دارد که بین هر علت و معلولی
سنخیت باشد! این انحراف هست!
علت و معلول بین‌شان سنخیت هست
اما چگونه علت و معلولی؟!
فواعل طبیعی! یعنی چه؟

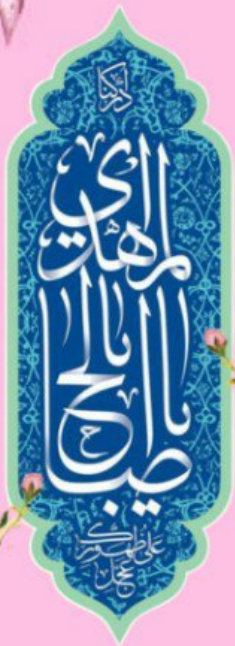
یعنی گندم که بکاری گندم سبز می‌شود!
چون گندم علت هست!
خوشه‌ی گندم سبز می‌شود!
جو که بکاری، جو سبز می‌شود!
اگه گندم بکاری جو سبز بشود،

Join > «SERATEHAGHI»

Join > «MAHDISM_12»

Join > «serat12k»

→ [صراط‌الحق]



Join > @SERATEHAGHI

Join > @MAHDISM_12

Join > @serat12k

لصدر کل شیء من کل!
هر چیزی از هر چیزی صادر می‌شود! نه!
گندم که بکاری گندم سبز می‌شود؛
جو که بکاری جو سبز می‌شود؛
ذرت که بکاری ذرت سبز می‌شود؛
سیب‌زمینی که بکاری سیب‌زمینی؛
چغندر هم که بکاری، چغندر سبز می‌شود؛
این سنخیت هست؛
این در فواعل طبیعی هست.

یعنی آتش نور و حرارت می‌دهد. این در
فواعل طبیعی، که این هم حکم عقلی نیست،
زیرا ما دیدیم هر گندمی که کاشتیم گندم
سبز شده. ممکن است در یک عالم دیگر،
گندم بکاری چغندر سبز شود، اشکال عقلی
ندارد! این ضد عقل است؟ ضد عقل نیست!
در شرایطی می‌شود گندم بکاری، چغندر
سبز شود! سیب زمینی بکاری عدس سبز شود!
اشکالی دارد؟ نه!

اما این‌جا هر چه سیب‌زمینی کاشتی، دیدیم
سیب‌زمینی در آمده؛ هر چه چغندر کاشتی،
می‌بینیم چغندر در آمده؛

هر چی گندم کاشتی می‌بینیم گندم شده.
پس در فواعل طبیعی می‌گوییم سنخیت بین
علت و معلول هست. یعنی آن چیزی
که می‌کاری همان چیز را هم درو می‌کنی،

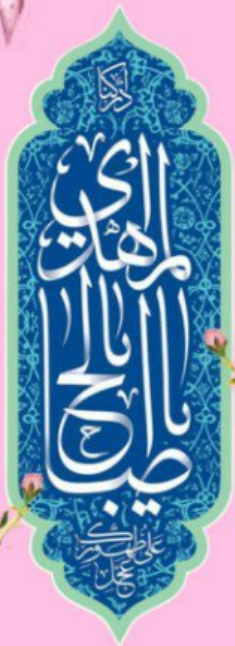
→ [صراط‌الحق]



Join > «SERATEHAGH1»
Join > «MAHDISM_12»
Join > «serat12k»

→ [صراط حق]

شبيه همان هم درو می‌کنی،
صنف و سنخ آن را درو می‌کنی.
اما در مورد خداوند متعال،
تخصصاً خارج هست!
اینکه سنخیت بین فواعل طبیعی هست
به حکم عقل به آن نرسیدیم،
به حکم استقرا به آن رسیدیم!
یعنی نگاه کردیم دیدیم هر سیب‌زمینی
که کاشتیم سیب‌زمینی درآمده، پس گفتیم
پس سیب‌زمینی بکاریم
سیب‌زمینی در می‌آید!
پس این سنخیت در فواعل طبیعی هست،
به حکم عقل هم نیست.
اگر بگویند حکم عقلی هست،
حکم عقلی که تخصیص نمی‌خورد
که در حکم عقلی در فواعل طبیعی
سنخیت باشد در بین خالق و مخلوقات
سنخیت نباشد!
زیرا حکم عقلی که تخصیص نمی‌خورد!
پس آن حکم عقلی هم نیست!
و نکته‌ی بعدی اصلاً تخصصاً خارج است!
به خاطر اینکه خداوند
فواعل طبیعی نیست!
موجود فاعل بالاراده‌ای که طبیعی نیست!
لذا خداوند متعال خلق می‌کند،
سنخ خودش اصلاً نمی‌شود خلق بشود!



Join > @SERATEHAGHI

Join > @MAHDISM_12

Join > @serat12k

سنخ او وجوب وجود هست!
نمی‌شود آن چیزی که وجود وجوب است
خلق بشود!
به خاطر اینکه آن چیزی که خلق شده،
دیگر وجوب وجود نیست!
حادث هست، مسبوق به عدم هست!
وجوب وجود و واجب‌الوجود آن چیزی هست
که موجودیت، ذاتی آن هست!
بنابراین وقتی چنین بود
ذات ربوبیت وجوب وجود،
مخلوقات عدم وجوب وجود،
بین وجوب وجود و عدم وجوب وجود،
هیچگونه سنخیتی نیست!
بین قائم بالذات که ذات ربوبیت هست
که به خود هست
و قائم بالغیر که مخلوقات
به او و به غیر هستند،
هیچگونه سنخیتی نیست!
لذا این نکته نکته‌ی اشتباهی هست
که ایشان فرموده که
اصل دیگری که شبیه همین
اصل عقلی است،
اصل لزوم سنخیت بین
علت و معلول است نه اصل لزوم سنخیت
بین علت و معلول در فواعل طبیعی!
تازه این هم عقلی نیست!

→ [صراط‌الحق]